

حقوق بشر و اخلاق زیست محیطی

محمدعلی بصیری

استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

داود نجفی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

چکیده

کمال انسان در حیات دنیوی و حتی اخروی ارتباط مستقیم با داشتن محیط زیست سالم است. محیط زیست سالم زمینه‌ساز سعادت مادی و معنوی بشر است. امروزه تخریب لجام گسیخته محیط زیست (آب، هوا، فضا) حقوق بشر جهانی را با تهدید روبه‌رو کرده است. اخلاق حفظ محیط زیست دارای اصول و مبانی جهانشمول و مشترک میان ادیان، مکاتب و اندیشمندان فلسفی و حقوقی است. در این مقاله تلاش می‌شود رابطه میان حقوق بشر با توجه به اخلاق زیست محیطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس سؤال اصلی این نوشتار این است که آیا می‌توان حقوق بشر را از طریق ترویج اخلاق زیست محیطی تحقق بخشید؟ و فرض اصلی این است که از طریق توسعه اخلاق زیست محیطی می‌توان بهتر به حقوق بشر جهانی دست یافت.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ اخلاق؛ محیط زیست؛ اخلاق زیست محیطی.

مقدمه

بحران‌های زیست محیطی ناشی از مدرنیسم و توسعه، امروزه جامعه بشری را به طور کل در کشورهای شمال و جنوب تهدید می‌کند. راه حل‌های اجتماعی و صنعتی برای مهار این بحران‌ها کارآمد نبوده است. یکی از راه حل‌های ریشه‌ای برای مهار بحران‌های زیست محیطی از طریق مبانی اخلاق ادیان و آموزش و توسعه آن می‌باشد. ریشه‌های مشترک اخلاقی برای توجه و توجیه بشر به حفظ محیط زیست جهت دستیابی به کمال، سعادت دنیوی و اخروی در ادیان آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و حتی ادیان غیرالهی (بودا، هندو و ...) قابل طرح می‌باشد. اصول مشترک اخلاق زیست محیطی می‌تواند جهانشمول باشد و با طرح آنها از طریق آموزش نهادینه، تبلیغ رسانه‌ای و ... بشر را در هر قوم و ملیت مخاطب قرار داده و از این طریق منابع زیست محیطی تخریب شده یا در حال تخریب را نجات داد. در این مقاله تلاش شده با طرح مسائل حقوق بشر، اخلاق زیست محیطی، مصادیق حقوق بشر در حفظ محیط زیست، رابطه حقوق بشر و محیط

زیست، مبانی مشترک اخلاق زیست محیطی در ادیان و مکاتب، این مسئله طرح و بررسی شود و هدف دستیابی به مبانی مشترک اخلاق زیست محیطی ادیان برای حفظ محیط زیست بشری می‌باشد.

۱- تعریف حقوق بشر

تعریف واحدی از حقوق بشر وجود ندارد و نویسندگان در این باره تعریف‌های متعددی را ارائه داده‌اند، بعضی گفته‌اند: حقوق بشر، حقوقی است که از نظر ملل متمدن برای هر فرد به طور ذاتی و اساسی وجود دارد و این حقوق تجزیه و تفکیک‌ناپذیر هستند و اگر دولتی بخواهد در شمار ملل متمدن قلمداد شود، رعایت این حقوق الزامی است (Bledsoe and Boleslaw, 1987:69). همچنین گفته شده است: حقوق بشر به معنای امتیازات کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. این امتیازات در صورت تحقق معیار واقعی مشروعیت و ملاک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است (فلسفی، ۱۳۷۵: ۹۵). با توجه به تعریف‌های فوق می‌توان گفت: حقوق بشر مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف نظر از هر گونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی و ... از آن برخوردار است (قربان نیا، ۱۳۸۰: ۲۱۴). بنابراین حقوق بشر، حق‌هایی جهانشمول، ذاتی و غیرقابل سلب هستند که انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت برابر باید از آنها بهره‌مند گردند. جهانشمولی، ذاتی و غیرقابل سلب بودن ویژگی‌هایی است که انسان به دلیل حیثیت و کرامت خود باید به طور یکسان از آنها برخوردار گردد. جهانشمولی به معنای فرا فرهنگی، ذاتی به معنای پیوند با حیثیت و کرامت انسانی و غیرقابل سلب بودن به معنای این است که این حق‌ها ریشه در قانون‌گذاری و یا اراده حکومت ندارند.

لازم به ذکر است که غیرقابل سلب بودن به این معنی نیست که تحت هیچ شرایطی نتوان از برخی افراد، به دلایل موجه، پاره‌ای از این حقوق را سلب و یا اعمال آن را محدود کرد.

۲- تعریف اخلاق زیست محیطی

در اخلاق سنتی عموماً انسان که موجودی مختار و دارای افعال و آثار است، محور مسائل اخلاقی بوده است. لیکن تحولات اخیر و تأثیرگذاری فن‌آوری‌های جدید در تخریب سریع محیط

زیست، زمینه توجه به جانب غیر از انسان اعم از حیوانات، کل موجودات زنده و مجموعه‌هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم‌ها، دریاچه‌ها و کوه‌ها کرده است و همین تغییر نگرش از انسان به سوی غیر انسان موضوع اخلاق زیست محیطی است.

اخلاق زیست محیطی یکی از شاخه‌های فلسفه کاربردی است که با ارزش‌ها، باورها و گرایش‌ها سر و کار دارد و در بهترین حالت می‌توان آن را یک فرآیند اصول نهاد در نظر گرفت که به دنبال ارائه راه حل‌های اخلاقی برای مشکلات زیست محیطی از طریق پیوند علوم مختلف با گرایش‌های اجتماعات انسانی است. اخلاق زیست محیطی با دغدغه‌های جهانی سر و کار دارد؛ مانند: رابطه انسان با محیط زیست، درک انسان نسبت به مسئولیت در برابر محیط زیست و تعهد به حفظ منابع برای نسل‌های آتی. این در حالی است که آلودگی‌های زیست محیطی، استفاده از منابع زمین، تولید و توزیع غذا، تولید و مصرف انرژی، صیانت از حیات وحش و تنوع گونه‌ای نیز در گستره و حوزه اخلاق زیست محیطی جای دارند (Pojman, 2001: 1-12).

۳- مصادیق حقوق بشر در حفظ محیط زیست

استفاده و برخورداری از محیط زیست سالم امروزه یکی از حقوقی است که در قالب نسل سوم حقوق بشر متجلی شده است. نسل سوم حقوق بشر به مجموعه حق‌هایی اطلاق می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم بر همه انسان‌ها و حتی نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد. تحقق آنها سود همگان و نقض آنها زیان همگان را در پی خواهد داشت. این دسته از حقوق کاملاً به هم وابسته و جدا نشدنی هستند. برخورداری از آنها حق همه افراد و ملت‌ها و تلاش برای تحقق و دست‌یابی به آنها نیز تکلیف و مسئولیت همگانی است. به این دسته از حقوق، حقوق همبستگی نیز گفته می‌شود. بدین معنا که دست‌یابی به آنها نیازمند تلاش و تعامل جمعی همه بشریت است. نخستین سند حقوق بشری که به طور مشخص به حق انسان بر محیط زیست سالم و وظیفه او بر حفظ و حراست از این محیط می‌پردازد، اعلامیه استکهلم است که در سال ۱۹۷۲ در جریان کنفرانس سازمان ملل در زمینه محیط زیست انسانی به تصویب رسیده است. اصل اول اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد که انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده باشد، برخوردار بوده و مسئولیت جدی در حمایت و حفاظت محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را به عهده دارد (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۴۴).

این اعلامیه همچنین در اصل دوم خود مقرر می‌دارد که منابع طبیعی زمین شامل آب، هوا، گیاهان و زیست بوم‌های طبیعی می‌بایست از طریق برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت صحیح برای منافع نسل‌های حال و آینده محافظت و صیانت شوند.

منشور جهانی طبیعت نیز که در سال ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است از جمله اسناد حقوق بشری است که به موضوع حفظ محیط زیست سالم می‌پردازد. این منشور حقوق و تکالیف ناشی از ضرورت حمایت از محیط زیست را مطرح کرده و انسان را جزئی از طبیعت قلمداد کرده و حیات او را وابسته به آن می‌داند و از این‌رو برای افراد و دولت‌ها مسئولیت‌هایی را در راستای حفاظت از طبیعت و بهسازی آن در نظر می‌گیرد (Kiss, 1989: 337-338).

در چارچوب اسناد جهانی و شناخته شده حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی به صورت تلویحی و ضمنی حق به محیط زیست سالم و لزوم حفاظت و صیانت از محیط زیست را مورد تأیید قرار می‌دهند. در حقیقت در چارچوب این اسناد برخی از حقوق بشر موجود مانند حق به زندگی مورد توجه قرار گرفته است و دعاوی زیادی بر مبنای حق بر حیات در خصوص محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده است.

در سطح منطقه‌ای منشور آفریقایی حقوق بشر اولین سند مصوب بین‌المللی است که در آن صراحتاً در ماده ۲۴ خود حق به محیط زیست سالم و لزوم حفاظت و صیانت از این محیط را مورد تأکید قرار داده است. این سند از دو جهت اهمیت خاص دارد: اولاً، این سند اولین سند حقوقی الزام‌آور در خصوص حق بر محیط زیست و لزوم حفاظت و صیانت از آن است؛ ثانیاً، این سند به وسیله دولت‌های جهان سوم که در ابتدا چندان مایل به وضع مقررات در زمینه حفاظت از محیط زیست نبودند، تدوین و تصویب گشت (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۴۸ و افتخارچهرمی، ۱۳۸۲: ۲).

پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، موسوم به پروتکل سان سالوادور که در سال ۱۹۸۸ به تصویب رسید، ظهور حقوق بشر و آزادی‌های جدیدی چون حق به کار، حق به سلامتی، حق به غذا و را مورد تأیید قرار داده و حق به محیط زیست سالم را به عنوان جنبه ویژه‌ای از حق به زندگی در ماده ۱۱ معرفی نموده است. در سطح اورپا دادگاه حقوق بشر اروپایی با تفسیر موصوع ماده ۸ و بعضاً ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار داده است. گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست که در قالب کمیسیون فرعی

تبعیض و حمایت از اقلیت گزارش خود را در سال ۱۹۹۳ ارائه نمود حقوق محیط زیست را به عنوان جنبه‌ای از حقوق بشر معرفی کرد (Shelton, 1999: 113-123).

در سطح اروپا علاوه بر دادگاه حقوق بشر اروپایی، نظام حقوق بشری سازمان امنیت و همکاری اروپا در فصل دوم خود تحت عنوان «همکاری در زمینه اقتصادی - علم و تکنولوژی و محیط زیست» حق به محیط زیست سالم و لزوم حفاظت از محیط زیست را مورد تأیید قرار داده است (مهرپور، ۱۳۷۷: ۲۰۱).

اسناد حقوق بشری فوق بیانگر مصادیق حفظ محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی به عنوان یکی از نسل‌های سه گانه حقوق بشر می‌باشد.

۴- رابطه حقوق بشر و محیط زیست

حق به محیط زیست منعکس کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق به سلامتی و حق به زندگی با استاندارد می‌باشد و هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و هم نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار، ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد. حفظ انسان و تداوم حیات انسان در محیط امن و عاری از جنگ و خشونت از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد می‌باشد. حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسان ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تأمین کند و پیش شرط‌های غیرقابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی را تضمین نماید (Pathak, 1992: 209).

تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد؛ از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد. چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و همچنین کیفیت زندگی او منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است. از آنجا که نوع بشر در محیط ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی می‌باشد، از این رو برای بقای نسل بشر، محیط زیست می‌باید مورد حمایت قرار گیرد (Gormely, 1988: 32).

در مورد رابطه بین حقوق بشر و لزوم حفاظت و صیانت از محیط زیست نظرات مختلفی ارائه شده است به گونه‌ای که جمع بندی آنها را دشوار می‌نماید. فیتز موریس^۱ در این رابطه سه مکتب فکری را مشخص کرده است (Fitzmaurice, 1999: 611-656). یک دیدگاه از این امر حکایت می‌کند که بدون حق به محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد. در دیدگاه دیگر وجود این

حق و یا ظهور آن به شدت سؤال برانگیز است و بالاخره دیدگاه سوم بر این باور است که حق بر محیط زیست سالم از بخش‌های دیگر حقوق بشر همچون حق به زندگی، حق به سلامتی و حق به اطلاعات قابل استخراج و شناسایی است.

در یک رویکرد متفاوت رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور مورد بحث قرار گرفته است (Cook and Chambers, 2003: 12). در دیدگاه انسان محور وضعیت محیط زیست به دلیل فشار و تأثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه بشر دارد مورد توجه قرار می‌گیرد. رهیافت انسان محور در مورد حقوق زیست محیطی به ارتباط میان نابودی محیط زیست، نقض حقوق بشر و فقر تکیه می‌کند و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در رهیافت محیط زیست‌گرا حق انسان بر محیط زیست سالم بر تفسیر موضوع از محیط زیست استوار می‌باشد و بر اساس آن ذاتاً از حقوقی برخوردارند که آنها را قادر می‌سازد منافع زیست محیطی‌اشان را اعلام کنند، ولی برای اینکه این منافع از حیث حقوقی شناخته و پذیرفته شود لازم نیست نشان دهیم که این منافع خیر و رفاه فرد خاص یا گروهی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از این دیدگاه، حقوق زیست محیطی هدفی بیش از فراهم کردن ضمانت‌های خاص برای برخی افراد دنبال می‌کند و بیشتر در صدد است که به اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد، دست پیدا کند. در این رویکرد حمایت از حقوق بشر در چارچوب حمایت از علائق و نیازهای مشترک جامعه بشری همچون آب و هوا، حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری و گرمایش زمین تحقق می‌پذیرد (Razaque, 2002: 13). هرچند که بین رهیافت انسان محور و رهیافت محیط زیست گرا تفاوت‌هایی وجود دارد لکن همپوشی قابل ملاحظه‌ای هم بین این دو مشاهده می‌گردد؛ مثلاً آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت محیط زیست می‌تواند تهدید مستقیمی محسوب شود.

گزارش سال ۲۰۰۰ توسعه انسانی، تصویر متفاوتی از رابطه حقوق بشر و حق به محیط زیست و لزوم حفاظت از آن ارائه می‌کند. در این گزارش رابطه بین حقوق بشر و حقوق محیط زیست یک رابطه درونی و دینامیک توصیف شده است. در چارچوب این گزارش تخریب محیط زیست، تجاوز به حقوق انسانی تلقی شده، فقر و توسعه نیافتگی محیط زیست را تحت فشار قرار داده و نقض حقوق بشر را هم به دنبال آورده است. در این گزارش وابستگی متقابل حقوق بشر و

محیط زیست مورد توجه قرار گرفته و حق به محیط زیست ناشی از کیفیت زندگی تلقی شده و قابل مقایسه با وضعیت حقوق اجتماعی و اقتصادی قلمداد شده است. ویژگی حیاتی حق به محیط زیست، شرط بنیادین زندگی تلقی و برای ارتقاء کرامت و سعادت انسان و تحقق سایر بخش‌های حقوق بشر اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است (Human Development Report, 2000: 5).

تحولات اخیر در زمینه رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست به سمت پذیرش بعضی از مصادیق حقوق بشری در فضای زیست محیطی گرایش دارد و این تحولات بیشتر به حقوق رویه‌ای توجه دارند؛ از جمله حق افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و یا جبران خسارات ناشی از تخریب محیط زیست.

۵- مبانی مشترک اخلاق زیست محیطی در ادیان و مکاتب

بیش از سی سال است که بحث‌های مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته است. اما در دهه اخیر به دلیل تداوم بحران‌های محیطی، دیدگاه‌های جهانی نسبت به مذهب تغییر نموده و به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاست‌های زیست محیطی نه تنها می‌باید از جامعیت برخوردار باشند؛ بلکه این گونه سیاست‌ها در اجرا، نیازمند حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقیاتی هستند که پایه اصلی حفاظت‌های محیطی می‌باشند؛ زیرا به اعتقاد طرفداران این نظریه نقش تاریخی مذهب در حفاظت از محیط مؤید آن است که از دست دادن ارتباط معنوی با طبیعت، حفاظت از آن را دشوار نموده است. در نتیجه با تأکید بر نیاز به حضور یک پایه دینی برای حل بحران‌های زیست محیطی حضور عامل مذهب را در بحث‌های محیطی ضروری می‌دانند (Simmons, 1993: 253; Kula, 2001: 1-9).

از این‌رو، آگاهی یافتن از دیدگاه‌های ادیان نسبت به محیط زیست می‌تواند در جهت رفع این بحران‌ها سودمند باشد.

الف) ادیان غیراسلامی

برای آنکه نگرش ادیان عبری را درباره محیط زیست بدانیم باید به مجموعه کتاب‌های مقدس یهودیان مراجعه کنیم. این کتاب‌ها شامل تورات و کتاب‌های دیگر منتسب به دیگر پیامبران قوم یهود است. در این کتاب‌ها از کیفیت خلقت جهان، آسمان و زمین و از طبیعت و

منابع طبیعی همچون آب، خاک، گیاهان، درختان، جنگل و نیز حیوانات سخن گفته شده است. در کتاب «مزامیر» در بخشی از سرود یکصدوچهار، خلقت طبیعت و موجودات به تصویر کشیده شده و جایگاه انسان در آنرا توصیف کرده و نیاز انسان به طبیعت و ضرورت حفظ آن برای استمرار حیات را متذکر شده است. در آیین مسیحیت نیز طبیعت و محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب «اعمال رسولان» به بشر توصیه شده است که در پدیده‌های طبیعی بیاندیشد و از این راه به خدا پی ببرد. به این ترتیب سعی شده است تا انسان از راه توجه به طبیعت به سوی خدا هدایت شود و همواره طبیعتی که وسیله رسیدن بشر به خالق هستی است، مورد احترام واقع شود (کسائیان، ۱۳۸۳: ۲).

در هندوئیسم اگرچه تأکید زیادی بر اجرای درمه یا تکلیف دینی می‌شود، هندوان در زندگی این جهانی میل شدیدی به موکشه یا رهایی از رنج دنیایی یعنی سمساره دارند. برای تسکین این رنج، افراد از طریق ریاضت روحی و مراقبه از جهان مادی یا پرکریتی دل برمی‌کنند و به سوی جهان لایتناهی معنوی یا پوروشا رو می‌آورند. در عین حال در هندوئیسم سنت‌های متعددی وجود دارد که بعضی رودخانه‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها را مقدس می‌شمارد. علاوه بر این الهیات هندویی در مفهوم لایلا (نقش خالقیت خدایان)، جهان را پدیده‌ای خلق شده توسط قوای آسمانی می‌داند. همین تضاد بین بریدن از جهان (مادی) و از سوی دیگر تأیید و تصدیق آن در بودیسم هم وجود دارد. بعضی مکاتب بودیسم تراواده‌ای بر ترک تعلق از جهان‌گذرای پر از رنج به هنگام مراقبه تأکید می‌کنند تا در نیروانا به رهایی برسند. از سوی دیگر مکاتب مهاییانه‌ای در بودیسم مانند هوآین بر پیوند درونی واقعیت تأکید می‌کنند و آنرا به یک رشته جواهر متعلق به ایندرا تشبیه می‌کنند که هر قطعه جواهر منعکس‌کننده دیگر قطعات در جهان است. همچنین باغ‌های فرقه ذن در شرق آسیا بیانگر کمال ذات بودا در جهان طبیعی است. در سال‌های اخیر، بودیسم متمایل به امور اجتماعی، در حفاظت از محیط زیست هم در آسیا و هم در آمریکا فعال بوده است.

سنت‌های شرق آسیایی کنفوسیانیسم و تائوئیسم به نوعی جزء حامیان اصلی ادیان از حیات این جهانی به شمار می‌روند. ارتباط منسجم بین خدا، انسان و جهان‌های طبیعی این سنت‌های دینی را به مثابه جهان‌بینی انسان‌مدارانه معرفی می‌کند. در این ادیان، آن چنانکه در سنت‌های ابراهیمی بر مسئله ماوراء (تعالی) تأکید می‌شود، هیچ اصراری بر این امر وجود ندارد؛ بلکه نوعی کیهان‌شناسی مبتنی بر تداوم خلقت که به واسطه تغییرات فعالانه و پیوسته طبیعت طی فصول و

چرخه حیات به وجود می‌آید، مورد تأیید و تأکید این ادیان است. این کیهان‌شناسی منسجم بر فلسفه "چی" که به معنای نیروی مادی است، مبتنی شده که این فلسفه، خود پایه‌گذار شناخت و ارزشیابی رابطه عمیق ماده و روح است. هماهنگ بودن با طبیعت و دیگر انسان‌ها همراه با توجه خاص به تائو (طریقت) هدف تربیت فردی در دو دین کنفوسیوسی و تائوئیسم است. (حدادی، ۱۳۸۳: ۶۰).

ب) اسلام و محیط زیست

تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که اسلام نظامی از ارزش‌ها را معرفی می‌کند که رعایت آن سیر تکاملی عالم وجود و از جمله انسان را تضمین می‌کند. این نظام در برگیرنده مباحث مربوط به محیط زیست از جمله نحوه استفاده از منابع، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهمتر نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها بوده و نه تنها برای انسان بلکه برای تمام موجودات دیگر از جمله حیوانات و گیاهان و حتی جمادات نیز حقی قائل است. توجه به هر کدام از اهدافی که برای خلقت ذکر می‌شود نهایتاً عبودیت خداوند را به عنوان هدف غایی و اصلی خلقت ذکر می‌نماید. برای نیل به این هدف تبیین رابطه بین انسان و محیط زیست ضرورت دارد. زیرا انسان لحظه به لحظه در حال تعامل با محیط زیست خود است. مراحل اصلی این ارتباط از نظر اسلام عبارت‌اند از: کمال بخشی، شناخت طبیعت، اصلاح و عمران زمین؛ بدین معنا که هدف تماس با طبیعت و بکارگیری عناصر و مواد در اعمال آن و فعالیت‌ها باید بر کمال بخشی آنها متمرکز باشد، این کمال بخشی بر شناخت اجزاء و ارتباط آنها استوار است و در نحوه اجرا باید اصلاح و عمران زمین را مد نظر قرار داد (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۰۲).

بنابراین با بررسی تعالیم ادیان الهی و غیر الهی مشخص می‌شود که وجه مشترک اخلاق زیست محیطی در همه این ادیان در درجه اول شناخت طبیعت و لزوم حفاظت و صیانت از آن برای استمرار حیات انسان است و در درجه دوم شناخت طبیعت و رعایت مبانی اخلاقی نسبت به آن باعث دستیابی انسان به کمال می‌شود. به عبارت دیگر مبانی مشترک اخلاق زیست محیطی در همه ادیان الهی و غیر الهی معطوف به رشد و توسعه کمال انسانی است.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد بسیاری بر این باورند که بحران زیست محیطی در واقع یک بحران معنوی و دینی است و جدایی دین از زندگی دنیوی می‌تواند مهمترین عامل بروز بحران‌های زیست محیطی باشد. زیرا بوم‌شناسی انسانی به شدت تحت تأثیر باورهای انسان نسبت به ماهیت

و طبیعت انسان یعنی دین قرار دارد. با اهمیت یافتن تأثیر باورهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان تأکید بر این است که راه حل بحران‌های زیست محیطی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جست‌وجو شود. در این رابطه می‌توان به گفت‌وگوهای زیست محیطی در بین ادیان اشاره کرد. برای مثال گردهمایی بین‌المللی رهبران روحانی و پارلمانی در سال‌های ۱۹۸۸ در آکسفورد، ۱۹۹۰ در مسکو، ۱۹۹۲ در ریو و ۱۹۹۳ در کیوتو که در آنها رهبران ادیان جهان، سیاستمداران و سران کشورها حضور داشتند. در این گردهمایی حل بحران‌های زیست محیطی از طریق پیوند علم و دین مورد تأکید قرار گرفت. نمونه‌های دیگر شامل برگزاری پارلمان جهان در سال ۱۹۹۳ در شیکاگو، در سال ۱۹۹۹ در کیپ تاون، برگزاری سمینار تهران در سال ۲۰۰۱ پیرامون محیط زیست، فرهنگ و دین، برگزاری نشست سران جهان و رهبران ادیان در مقر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ و برگزاری اولین همایش اسلام و محیط زیست در سال ۱۳۷۸ شمسی در تهران می‌باشد. شواهد فوق بیانگر این واقعیت هستند که نسبت به گذشته بشر آمادگی بیشتری را برای پذیرش تعلیمات ادیان نسبت به محیط زیست دارد به صورتی که دیدگاه جهانی نسبت به دین تغییر کرده است و به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست محیطی به آن توجه می‌شود.

پیشنهادها و راهکارها

- در پایان ارائه چند پیشنهاد جهت جهانشمول کردن اخلاق زیست محیطی و در نتیجه جهانشمول کردن حقوق بشر از طریق این گونه اخلاق الزامی به نظر می‌رسد:
- آموزش نهادینه شده در تمام کشورها در مقاطع مختلف تحصیلی با حمایت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و دولتی؛
 - تبلیغات رسانه‌ای مستمر از طریق رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره)؛
 - هشدار و تبلیغات خیابانی از طریق نصب پوستر و بیلبورد در سطح شهرها و کلان شهرها؛
 - فرهنگ‌سازی جهانی توسط نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل از طریق برگزاری سمینار، کنفرانس، همایش؛
 - برگزاری نشست‌های تبادل افکار بین ادیان مختلف در زمینه مسائل حقوق بشری و مسائل زیست محیطی؛

- تصویب لوایح قانونی لازم در این زمینه توسط مراجع ذیصلاح؛
- ایجاد الزامات جدید برای مراکز علمی و پژوهشی در بسط و توسعه اخلاق زیست محیطی مناسب و مبتنی بر فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای ملی و محلی.

نتیجه‌گیری

با توجه به رابطه غیرقابل انکار میان اخلاق زیست محیطی و حقوق بشر که در این مقاله بررسی گردید، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که از طریق ترویج مبانی اخلاقی مشترک پیرامون مسائل زیست محیطی می‌توان به حفظ حقوق بشر در این زمینه دست یافت. مبانی مشترک اخلاق زیست محیطی ادیان الهی و غیر الهی می‌تواند از طریق آموزش نهادینه شده در تمام کشورها و در مقاطع مختلف تحصیلی با حمایت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و نیز از طریق تبلیغات رسانه‌های جمعی در تمام جوامع بشری و نیز از طریق فرهنگ سازی عملی توسط تمام نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به صورت یک برنامه منسجم جهانی، محیطی را پدید آورد تا تمام افراد بشر از هنگامی که با محیط زیست ارتباط معنا دار برقرار می‌کنند به حفظ و صیانت از آن پرداخته و بحران‌های زیست محیطی فعلی را از بین ببرند و در آینده نیز ریشه‌های پیدایش چنین بحران‌هایی را توسط بشر از بنیان خشک کرده و جهانی شکل داده شود که تعادل معناداری برای توسعه پایدار و همه جانبه بین بشر و محیط زیست رقم بخورد و جهانی سعادت‌مند برای تکامل و سعادت بشر شکل گیرد.

یادداشت‌ها

1. Fitzmaurice

منابع فارسی

- افتخارجهرمی، گودرز، «حق بر محیط زیست: با تأکید بر حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی»، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، آبان ۱۳۸۲.
- امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۴، شماره ۱۵.
- حدادی، محسن، «مروری بر مجموعه ۹ جلدی ادیان و محیط زیست»، ماهنامه اخبار ادیان، سال دوم، شماره ۲، اسفند ۱۳۸۳.

- فلسفی، هدایت الله، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷-۱۶، ۱۳۷۵.
- قربان نیا، ناصر، «نسبت میان عدالت و حقوق بشر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۰.
- کسائیان، احمد، «جلوگیری از آلودگی محیط زیست»، ماهنامه نفت پارس، سال اول، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۳.
- محقق داماد، مصطفی، «طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام»، مجله نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۷۳.
- مهرپور، حسین، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.

منابع لاتین

- Beldso, Robert and Boleslaw A.Bczek, **International Law Environment**, Oxford, Clarendon press, 1987.
- Cook, Kate and Chambers, Matrix, "*third generation rights, A comparison between the right to development and environmental rights*", 2003, available at: www.pgr.mpf.gov.br/pgr/pfde/destaque/british council/PDF.
- Fitzmaurice, Malgosia, "*The right of the child to clean environment*", 23 Southern university law journal. 1999.
- Gormely, W.Paul, "*The right to safe and decent environment*", journal of international law, vol. 28, 1988.
- Human Rights and Environment Report of Secretary General. UN Doc 2000.
- Kiss, Alexander, **International de lencironment**, Paris, pedon, 1989.
- Kula, E, "*Islam and environmental conservation*", environmental conservation, vol.28March. 2001.
- Pathak, R.S, "*The human right system as conceptual framework for environmental law in weiss*", environmental change and environmental law, united nation university press, 1992.
- Pojman, L.P, **on the ethics environmental concerns**, Thompson and learning, London, 2001.
- Razzaque, Joan, **Human rights approaches to environmental**, Oxford, clarendon, 2002.
- Shelton, Dinah, "*Human right and environment*", in year book of international environment law, vol.9. oxford, oxford university press, 1999.
- Simmona, I.G, **Interpreting Nature: cultural construction of the environment**, Rutledge, London, 1993.